زرتشت و مزدیسنان

پرسش‌ها و پاسخ‌هایی در شناخت دین زرتشت

کورش نیکنام

زرتشت و مزدیسنان

نگارش

کورش نیکنام

هیرمبا

۱۳۹۹

هیرُمبـا
امید که نیکی و بـرکت
و خواستـه به من برسد

زرتشت و مزدیسنان

کورش نیکنام

ناشر: هیرُمبـا
آماده‌سازی: کارگاه نشر هیرُمبا
زیر نِگرِ: بهنام مبارکه
خوشنویسی جلد: محمود رهبران
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: قاسملو
چاپ، صحافی: شرکت چاپ خواجه

شابک: ۲-۸-۹۶۳۸۶-۶۲۲-۹۷۸
شماره نشر: ۱۳ / ۱۲-۲۰۱ / ۲-۹۹

تهران ـ کارگر شمالی بالاتر از بلوار کشاورز کوچه میر پلاک ۱۸
کدپستی ۱۴۱۸۷۵۴۴۵۳ تلفن: ۶۶۴۲۰۶۲۰
همراه: ۰۹۱۹۰۰۹۵۲۴۹ - ۰۹۱۲۶۸۷۶۹۵۲
همه‌ی حقوق برای ناشر نگهداری شده است

فهرست

پیش‌گفتار ۱۷
اشـــاره ۲۳
تیره آریایی ۲۳
باورهای آریایی پیش از زرتشت ۳۳
مهرپرستی ۳۵
آناهیتا ۴۲
زُروان ۴۴
استوره‌ی زاده شدن زرتشت ۴۵
فَرّه‌ی زرتشت ۴۷
روان زرتشت ۴۸
تن زرتشت ۴۹
زادگاه زرتشت ۵۱
برگزیده شدن زرتشت ۵۳
زندگی و خانواده زرتشت ۵۷
زمان زندگی زرتشت ۶۲
زرتشت از دیدگاه‌اندیشمندان ۶۹
نوگرایی زرتشت ۹۲
اعتقاد به خدایان متعدد و قدرت‌های مافوق‌الطبیعه ۹۴
گاتها، نسک دینی مزدیسنان ۱۰۱
جایگاه انسان در بینش زرتشت ۱۲۶
تأثیر بینش زرتشت بر فرهنگ و تمدن بشری ۱۳۱
فرهنگ وادب باستانی ایران ۱۵۷

بخش‌های اوستا
یسنا ۱۵۹
یشت‌ها ۱۶۴
ویسپرد ۱۷۴
وندیداد ۱۸۲
خرده‌اوستا ۱۹۸
نوشته‌های پهلوی ۲۰۱
مزدیسنان ۲۱۳
ویژگی مزدیسنان ۲۱۴
جهانی بودن ویژگی مزدیسنان ۲۱۶
جایگاه خداوند در بینش مزدیسنان ۲۱۷
ناسازگاری با پندارهای نادرست ۲۱۸
دین مزدیسنان ۲۱۸
جایگاه مزدیسنان ۲۱۸
دوگانه‌پرستی ۲۴۱
آتش‌پرستی ۲۴۷
قربانی جانوران ۲۵۲
زناشویی با نزدیکان ۲۵۹
خُوات‌وَدَتام در نوشته‌های پهلوی ۲۶۶
سرگذشت مزدیسنان در ایران ۲۷۲
جایگاه مزدیسنان در جهان ۳۰۶

□ بخش ۱ ـ آموزش گاهانی، فلسفه زرتشت
چرا برخی دین زرتشتی را «مَزدیسنا» می‌گویند؟ ۳۲۵
اهورامزدا چگونه در اندیشه‌ی ایرانیان آشکار شده است؟ ۳۲
اهورامزدا در پیام زرتشت چگونه خدایی است؟ ۳۲۸
آیا به گفته‌ی زرتشت، اهورامزدا آفریننده‌ی نیکی و بدی است؟ ۳۳۰
چگونه می‌توان خداوند را خالق مطلق دانست؟ ۳۳۲
برگردان و تفسیر سرود «آشِم وُهو» چیست؟ ۳۳۳

برگردان سرود «یَتا اَهو» چیست؟ ۳۳۴
در این جهان آشفته چه کسی و یا چه معیاری برای اندیشه نیک وجود دارد؟ ۳۳۶
قانون آشا با چه چیزی در ادیان دیگر با چه گزینه‌ای در ادیان دیگر برابر است؟ ۳۳۷
آیا گزاره‌ی «اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک» سخن خود زرتشت است؟ ۳۳۸
چگونه می‌توان ثابت کرد که گاتها کتاب آسمانی است؟ ۳۳۹
باید برای درستی اندیشه‌ام با دیگران ستیز داشته باشم؟ ۳۴۰
چرا اهورامزدا نیکی و بدی را آفرید؟ چرا تنها نیکی را نیافرید؟ ۳۴۱
آیا در جایی گفته شده که چه چیزی نیک است و یا تعریفی از کار نیک شده است؟ ۳۴۲
آیا در فرهنگ و دین زرتشتی درباره کینه و پرهیز از آن چیزی آمده است؟ ۳۴۳
آیا دین زرتشت از ابتدا توحیدی بوده است؟ ۳۴۴
اگر دین زرتشت تحریف شده باشد چگونه به پاسخ‌هایتان می‌توان اطمینان داشت؟ ۳۴۵
مانتره به معنی چیست؟ ۳۴۶
«در آفرینش، بدی وجود ندارد!» مگر جامعه‌ی انسانی بخشی از آفرینش نیست ۳۴۷
ممکن است کسی خوشبختی را در کارهای ناپسند ببیند؟ ۳۴۸
تفاوت دین زرتشت با دین‌های دیگر چیست؟ ۳۴۹
چرا دین‌ها با یکدیگر تفاوت دارند، مگر خداوند یکی نیست؟ ۳۵۱
چرا باید دین داشته باشیم؟ ۳۵۲
پس چه نیازی به داشتن یک دین مشخص داریم؟ ۳۵۴
آیا زرتشت ادعا می‌کند دین کاملی است؟ ۳۵۵
آیا جهان مینوی با این جهان فرق دارد؟ ۳۵۶
به نظر شما دین زرتشت بر ادیان دیگر چه تأثیری داشته است؟ ۳۵۷
در دین زرتشت، سفارشی برای پذیرفتن و یا گسترش‌این دین شده است؟ ۳۵۸
بهتر نیست دین را با دگرگونی‌های فلسفی به مردم امروز ارائه کنید؟ ۳۵۹
فلسفه‌ی آتش در دین زرتشت و گاتها چیست؟ ۳۶۰
چرا خورشید، آتش و روشنایی اساس دین زرتشت است؟ ۳۶۲
پیدایش آدمی، در داستان «مَشی و مَشیانه» ۳۶۲
آیا در گاتها و کتب دینی زرتشتیان، نوشیدن مشروبات الکلی منع شده است؟ ۳۶۳
جایگاه اهریمن در آیین زرتشت ۳۶۴
در بینش زرتشت پیکار با اهریمن چه جایگاهی دارد؟ ۳۶۵

آیا کردار ناپسند برگرفته از اَنگره‌مینو هماهنگ با خواست خداوند است؟ ۳۶۶
دوگانگی «اَنگره‌مینو» و «سْپِنتَه‌مینو»، کدام است؟ ۳۶۷
مراحل عرفان در دین زرتشت چگونه است؟ ۳۶۸
پُل چینَوَد چگونه است؟ آیا همان پل صراط است؟ ۳۷۱
دانشکده‌ی فلسفه زرتشت کجا و چگونه است؟ ۳۷۲

□ بخش ۲ـ زرتشت

آیا زرتشت از جانب اهورامزدا به پیامبری برگزیده شده است؟ ۳۷۷
بر پایه‌ی چه دلایلی زرتشت را فرستاده خداوند می‌دانید؟ ۳۷۸
آیا تاریخ دقیقی برای اشو زرتشت وجود دارد؟ ۳۷۹
زادروز و درگذشت زرتشت در چه تاریخی است؟ ۳۸۰
چگونه ثابت می‌کنید که زرتشت پیامبر بوده است؟ ۳۸۱
تعریف دقیق از جایگاه زرتشت پیامبر چیست؟ ۳۸۲
اگر به زرتشت وَحی نشده است چگونه به اسرار خلقت پی برده است؟ ۳۸۳
تفاوت «وحی» و «الهام» چیست؟ ۳۸۴
زرتشت چندمین پیامبر در جهان است؟ ۳۸۵
آیا زرتشت ادعای پیامبری داشته است یا خیر؟ ۳۸۷
معجزه زرتشت به عنوان پیامبر چه بوده است؟ ۳۸۸
خندیدن زرتشت در هنگام تولد و... به عنوان معجزه زرتشت حقیقت دارند؟ ۳۸۸
آیا واقعاً فیثاغورث از شاگردان زرتشت بوده؟ ۳۸۹
آیا زرتشت پیشگویی هم می‌کرده؟ ۳۹۰
واژه «شَت» به چمار (معنی) چیست؟ ۳۹۱
باور اَشو زرتشت در مورد موسیقی چیست؟ ۳۹۱
آیا زرتشتیان پیامبران دیگری را نیز قبول دارند؟ ۳۹۲
نوری که پشت سر عکس‌های زرتشت است، چیست؟ ۳۹۳
چند دعوتگر به نام زرتشت وجود داشته است؟ ۳۹۴
افلاتون نام زرتشت را طلای سرخ گذاشت، نام اصلی پیامبر چه بوده است؟ ۳۹۴

□ بخش ۳ـ ادبیات اوستایی

اوستای موجود چه بخش‌هایی دارد و موضوع آنها چیست؟ ۳۹۹
کدام بخش از خرده‌اوستا از سرودهای گاتهاست؟ ۴۰۰
کتاب آسمانی زرتشت کدام است؟ آیا ما تنها گاتها را قبول می‌کنیم ۴۰۰
جایی برای آموزش این دین زرتشت و اوستا وجود دارد؟ ۴۰۱
تا چه اندازه درستی و راستی مطالب کتاب مینوی خرد را باور دارید؟ ۴۰۲
نظر شما در مورد کتاب روایات آذرفرنبَغ چیست؟ ۴۰۳
ایزد هوم چیست؟ ۴۰۴
پیروزیِ تِشتَر بر دیو «اَپوش» در استوره‌های ایرانی، درست است؟ ۴۰۵
چرا در برخی سرودهای اوستا، تنها از «مردپارسا» یاد می‌شود؟ ۴۰۶
واژه «خواتوَدَثام» به چه معناست؟ ۴۰۷
«هَپتَنگ‌هائیتی» چیست؟ کتاب‌های مقدس زرتشتی کدامند؟ ۴۰۸
در مورد بایسته بودنِ سُرایشِ سیزده «اَشِم وُهو» و بیست‌ویک «یَتااَهو» ۴۰۸
بجا آوردن نماز با دست‌های برافراشته سفارش شده، پس چرا آن را بغل می‌کنند؟ ۴۰۹
آیا نظریه تکامل داروین خلاف گاتها سخن می‌گوید؟ ۴۱۰
اگر دانش امروزی یکی از اندیشه‌های دین زرتشتی را رد کند تکلیف چیست؟ ۴۱۰
نیایش نوروزی که از آن یاد می‌کنید از کدام قسمت اوستا است؟ ۴۱۲
برگردان برخی از واژگان اوستایی ۴۱۲
آیا میترا نام یک دعوتگر در دوره‌ی باستان بوده و یا یک الهه؟ ۴۱۴
آیا پیامبری به نام جاماسب در ایران باستان وجود داشته است؟ ۴۱۵
به تازگی در نیایش «تندرستی» اثری از نام‌های اوشیدر، اوشیدرماه و... نیست؟ ۴۱۵
اگر وندیداد را کَرپان‌ها نوشته‌اند، چرا با ارزش است؟ ۴۱۷
خالق اَنگره‌مینو (اهریمن) کیست؟ و اَنگره‌مینو در مقابل چه کسی است؟ ۴۱۸
سوشیانس‌ها به فاصله ۱۰۰۰ سال از هم ظهور می‌کنند، چگونه؟ ۴۱۹

□ بخش ۴ـ تراداد مزدیسنان

فلسفه‌ی برگزاری گاهنبارها چیست؟ گاهنبار توجی چگونه است؟ ۴۲۳
در برخی آیین‌های دینی، بالا بردن دو انگشت و گاهی یک انگشت نشانه‌ی چیست؟ ۴۲۴
منظور از قراردادن دست آغشته به گچ روی دیوارهای کاهگلی چیست؟ ۴۲۵

مراسم آفرینگان‌خوانی چگونه انجام می‌شود؟ ۴۲۶
گاهنبار شاه عباسی چیست؟ ۴۲۷
چراگروهی از زرتشتیان در دامنه‌ی کوه دماوند گهنبارخوانی را برگزار می‌کنند؟ ۴۲۸
بر سفره نوروزی زرتشتیان هفت «شین» وجود داشته؟ ۴۲۹
آیا شب یلدا در دین زرتشت نیز وجود داشته است؟ ۴۳۰
شاه‌ورهرام ایزد با آدریان (آتشکده) چه تفاوتی دارد؟ ۴۳۱
نماز روزانه زرتشتیان دارای چه اندیشه و سفارشی می‌باشد؟ ۴۳۲
آیا سدره و کُشتی پیش از زمان زرتشت بوده است؟ ۴۳۳
پوشیدن لباس‌های نماز زرتشتی اجباری است؟ ۴۳۴
«پِنام» به هنگام نیایش آتش و روبه‌رو شدن با مرده چیست؟ ۴۳۵
وضو گرفتن زرتشتیان برای نماز چگونه است؟ ۴۳۶
هنگام نماز خواندن، نور باید در چه فاصله‌ای از نمازخوان باشد؟ ۴۳۶
از نظر آیین زرتشت، روز رستاخیز چگونه روزی است؟ ۴۳۷
آیا یک زرتشتی باید خود را بنده‌ی خدا بنامد؟ ۴۳۸
از ما می‌پرسند آیا شما آتش‌پرست هستید؟پاسخ مناسب چیست؟ ۴۳۸
آیا در دین زرتشت نیز توبه وجود دارد؟ ۴۴۰
وجود آذربان، موبد و هیربد لازم است؟ ۴۴۱
چرا شکل‌گیری نماز را به موبدان ساسانی نسبت می‌دهند؟ ۴۴۲
آیا می‌توان نماز را جز به زبان اوستایی خواند؟ ۴۴۳
اگر دین زرتشت جهان‌شمول است، پس برای دیگر هموطنان نیز سدره‌پوشی کنید ۴۴۴
دلیل چهار روز نخوردنِ گوشت در هر ماه چیست؟ ۴۴۵
فلسفه روزهای نَبُر یا پرهیز از خوردن گوشت چیست؟ ۴۴۶
من نوجوانی زرتشتی هستم، آیا ما بایستی نَبُر را نگهداریم؟ ۴۴۶
روزهای ورهرام ایزد، سروش ایزد،... به چه دلیل روزهای نیکوتر نام گرفته‌اند؟ ۴۴۷
باور سنتی «سی‌وسه امشاسپند» از کجا آمده است؟ ۴۴۸
در آیین زرتشت برای طلب حاجت و برآورده شدن آرزوها چه دعایی است؟ ۴۴۹
منظور از گناه بودن قربانی کردن در دین زرتشت چیست؟ ۴۴۹
فلسفه‌ی زیارتگاه و پیرانگاه برای زرتشتیان چگونه است؟ ۴۵۱
در تهران چه نیایشگاه‌هایی برای زرتشتیان وجود دارد؟ ۴۵۳

آیین چهارشنبه‌سوری چیست و چه برنامه‌هایی دارد؟ ۴۵۳
آیا مراسم چهارشنبه‌سوری ریشه زرتشتی دارد؟ ۴۵۵
در دین زرتشت برابر رسم در گوش نوزاد اذان خواندن چنین رسمی وجود دارد؟ ۴۵۶
سفره‌ی سنتیِ «شاه پَری» از کجا آمده است ۴۵۷
آیین «تَش و مَس» کردن چیست؟ ۴۵۸
بَرسَم چیست؟ ۴۵۹
چه چیزهایی بر سر سفره گواه‌گیری می‌گذارند، هر یک نماد چیست؟ ۴۶۰
اوستاهایی که در مراسم سده‌پوشی خوانده می‌شود ۴۶۱
چرا در آیین زرتشت از نوشیدن شراب سُکرآور منع شده‌ایم؟ ۴۶۲
شیوه‌ی برخورد زرتشتیان با جسد درگذشتگان چگونه است؟ ۴۶۳
چرا در هنگام نیایش باید کلاه یا روسری سپید بر سر داشته باشیم؟ ۴۶۵
حرکت دست‌ها در زمان نیایش و خواندن اوستا برای چیست؟ ۴۶۵
برای درگذشتگان چه بخشهایی از اوستا را بایستی خواند؟ ۴۶۷
مزدیسنان برای آمرزش درگذشتگان چه اوستایی بر مزارشان می‌خوانند؟ ۴۶۷
تفاوت کسی که نماز می‌خواند با کسی که نمی‌خواند از لحاظ ثواب چیست؟ ۴۶۸
آیا می‌توان نماز را به زبان پارسی خواند؟ ۴۶۸
آیا شما در سنت‌های زرتشتی، نخود و کشمش مشکل‌گشا دارید؟ ۴۶۹
در آیین زرتشتی حدیث و یا به گونه‌ای نقل‌قول مسائل دینی وجود دارد؟ ۴۷۰
نام کتابی که احکام کامل دین زرتشتی در آن آمده باشد؟ ۴۷۰
پرسش‌های احکامی را چگونه پاسخ می‌دهید؟ ۴۷۱
خوردن شراب در دین زرتشت چه حکمی دارد؟ ۴۷۲
دلیل از بین رفتن روش دخمه‌گذاری در یزد و شهرهای دیگر ایران ۴۷۳
جایگاه روح، جان و روان در کیش زرتشت چیست؟ ۴۷۴
روان بدکردار تا چه زمانی در دوزخ می‌ماند؟ ۴۷۵
زرتشت به دنیای پس از مرگ نیز باور داشته است؟ ۴۷۶
زندگی پس از مرگ در باور زرتشتیان چگونه بیان شده است؟ ۴۷۷
در دین زرتشت بهشت و جهنم چگونه است؟ ۴۷۷
در متون زرتشتی بهشت را چگونه وصف می‌کنند؟ ۴۷۸
دیدگاه در مورد دلیل بیرون راندن آدم از بهشت، حوا بوده است ۴۷۹

سرنوشت روان پس از مرگِ فردی که فاقد وجدان بیدار است ۴۸۰

□ بخش ۵ـ زندگی ترادادی زرتشتیان

آیین زندگی در دین زرتشت ۴۸۵
آمار زرتشتیان ایران ۴۸۶
چه راهکاری برای افزایش زرتشتیان جهت پاسبانی این آیین وجود دارد؟ ۴۸۷
آیا نگاره فرَوَهَر مربوط به زرتشتیان است؟ ۴۸۸
وظایف موبدان و پیشوایان دین زرتشت در زمان کنونی چیست؟ ۴۹۱
تفاوت بین موبد، هیربد و دستور چیست؟ ۴۹۱
چرا آیین بر این بوده که تنها فرزندان موبدان، موبد شوند؟ ۴۹۲
چگونگی و مراحل موبد شدن چیست؟ ۴۹۴
آیا در ایران می‌توان آتشکده تازه‌یی ساخت؟ ۴۹۴
در دین زرتشتی بین زن و مرد تفاوتی نیست؟ پس چرا زن نمی‌تواند موبد بشود؟ ۴۹۶
ریشه و فلسفه رنگ سفید در لباس‌های دین زرتشت چیست؟ ۴۹۶
حجاب در دین زرتشتی و باستانی ایران چگونه بوده است؟ ۴۹۷
آیا من که یک فرد مسلمان هستم می‌توانم در جشن‌های زرتشتی شرکت کنم؟ ۴۹۸
نامِ سی روز ماه در گاه‌شماری زرتشتیان چیست؟ ۴۹۹
چرا بانوان به هنگام عادت ماهیانه نباید نیایش داشته باشد؟ ۵۰۰
در آیین زرتشت نیز برای پسران آیین ختنه وجود دارد؟ ۵۰۱
در مورد انواع ازدواج، پادشاه‌زن، چَکَرزن... ۵۰۲
تفاوت باورهای زرتشتیان هند (پارسیان) با زرتشتیان ایران ۵۰۲
نظر شما در مورد گروه و فرقه‌ی «مهربابا» چیست؟ ۵۰۴
چرا زرتشتیان جهان در یک کشور جمع نمی‌شوند؟ ۵۰۳
در دین زرتشت وارد یا خارج شدن از دین اختیاری‌ست؟ ۵۰۶
ازدواج پسر یا دختر زرتشتی با یک مسلمان چگونه است؟ ۵۰۷
آیا در دین زرتشت ازدواج خواهر و برادر با هم وجود داشته است؟ ۵۰۸
آیا «الله‌یار» نام زرتشتی است؟ ۵۱۰
فلسفه زرتشت و زرتشتیان در مورد آب چیست؟ ۵۱۰
منظور از پاک نگاه داشتن چهار آخشیج چیست؟ ۵۱۱

روز پدر در فرهنگ زرتشتیان چه روزی است؟ ۵۱۲
چند نامدار زرتشتی و کار آنان را در سده گذشته نام ببرید؟ ۵۱۳
چرا احکام ناروا نسبت به زنان وجود دارد؟ ۵۱۴
چرا در آیین زرتشتی دروغ کلاً ناپسند شمرده شده؟ ۵۱۵
با توجه به احترام به آب، زرتشتیان برای شست‌وشو آیا از آب استفاده می‌کنند؟ ۵۱۶
در فرهنگ زرتشتی، استفاده از گلاب برای چیست؟ ۵۱۷
روزه گرفتن در دین زرتشت چگونه است؟ ۵۱۸
برای روزه گرفتن توصیه بسیار شده پس چرا زرتشتیان برابر آن رفتار نمی‌کنند؟ ۵۱۸
آیا در آیین زرتشت، همانند دین‌های دیگر پرداخت عشریه وجود دارد؟ ۵۲۰
قربانی در جشن هیرومبا و مهرایزد برای چیست؟ ۵۲۱
چگونه می‌توان به آیین اهورایی ایمان آورد؟ ۵۲۲
چگونه می‌توان زرتشتی شد؟ ۵۲۳
آیین‌های ویژه وارد شدن به دین زرتشتی در ایران ۵۲۶
اگر کسی بخواهد از دین زرتشت پیروی کند چگونه باید آموزش ببیند؟ ۵۲۶
در ایران چگونه می‌توانم به صورت زرتشتی شوم؟ ۵۲۸
با توجه به اینکه سه نسل پیش از ما زرتشتی بوده‌اند، می‌توانم سدره‌پوش شوم؟ ۵۲۹
آیا موبدان نوکیشان را می‌پذیرند؟ ۵۳۰
آیا یک زرتشتی می‌تواند با یک یهودی یا یک مسیحی ازدواج کند؟ ۵۳۱
آیا یک پسر زرتشتی اجازه دارد که با یک دختر مسلمان ازدواج کند؟ ۵۳۲
نوشتن کتابی یگانه و کامل از دین زرتشتی و راه بهتری برای پذیرش خواستاران ۵۳۲
در برابر سانسور بزرگ فرهنگی علیه دین زرتشت، چه می‌کنید؟ ۵۳۴
اگر یک غیرزرتشتی این دین را بپذیرد زردشتیان او را می‌پذیرند؟ ۵۳۵
کسی در خارج سدره‌پوش می‌شود در ایران مورد پذیرش انجمن هست یا خیر؟ ۵۳۵
آیین زرتشت، دینی جهانی است چرا نمی‌توان زرتشتی شد؟ ۵۳۷
آیا کسانی هستند که برای منافع خود به آیین زرتشت روی بیاورند؟ ۵۳۸
چگونه می‌توان مراسم ازدواج با سنت و آیین زرتشتی برگزار نمود ۵۳۹
آیا جوانان زرتشتی هنگام ازدواج مهریه تعیین می‌کنند؟ ۵۳۹
میزان ارث در آیین زرتشتی برای پسر و دختر چگونه است؟ ۵۴۰
سن بلوغ دختران و پسران در آیین زرتشت چند سالگی است؟ ۵۴۱

دین زرتشت به مردی که ازدواج کرده اجازه ازدواج مجدد را می‌دهد؟ ۵۴۱
آیا در بین زرتشتیان طلاق نیز وجود دارد؟ چگونگی تقسیم ارث؟ ۵۴۱
اگر زرتشت دین جهانی است پس چرا آمار زرتشتیان در جهان کم است؟ ۵۴۲
چرا نوشیدن نوشابه‌های الکل‌دار برای مزدیسنان ممنوع نشده است؟ ۵۴۳
آیا در دین زرتشت یک فرزند باید پاسخگوی اشتباه‌های پدر و مادر باشد؟ ۵۴۴

□ بخش ۶ـ گوناگون

رابطه بین زرتشت و ایران را چگونه می‌دانید؟ ۵۴۹
آیا می‌توان دین زرتشت را یکی از پایه‌های ناسیونالیست ایرانی دانست؟ ۵۵۰
نقش زرتشتیان در انقلاب مشروطه چه بوده است؟ ۵۵۰
آیا در باور زرتشتیان دین و سیاست از هم جدا هستند؟ ۵۵۱
چرا آگاهی و تبلیغ در رابطه با دین زرتشت بسیار کم انجام می‌شود؟ ۵۵۲
آیا زرتشتیان روزنامه یا نشریه و انتشاراتی دارند؟ ۵۵۳
چگونگی تغییر دین ایرانیان پس از حمله اعراب چگونه بوده است؟ ۵۵۴
پس از کشورگشایی اعراب، چرا مصر یک کشور عربی شد؟ ۵۵۵
چرا ایرانیان به وقت رهایی از حکومت اعراب به آیین گذشته برنگشته‌اند؟ ۵۵۶
آیا در زمان زندگی حافظ، آتشکده در شهر شیراز بوده است؟ ۵۵۶
اگر فشار و ستم صفویان و قاجاریه نبود، جمعیت کنونی زرتشتیان چقدر بود؟ ۵۵۷
آیا حافظ هم به دین زرتشت روی آورد؟ ۵۵۸
آیا خیام زرتشتی بوده است؟ ۵۵۹
دین کورش کبیر چه بوده است؟ ۵۶۰
واژه‌ی «سنجان» به معنی چیست؟ ۵۶۰
زرتشتیان به جز ایران و هند در چه کشورهایی زندگی می‌کنند؟ ۵۶۱
آیا غرب ایران (زاگرس‌نشینان) زمانی زرتشتی بوده‌اند؟ ۵۶۲
فرهنگ مردم لرستان تا چه اندازه با فرهنگ زرتشتیان شباهت دارد؟ ۵۶۲
آیا زرتشتیان در تاجیکستان و یا افغانستان نیز زندگی می‌کنند؟ ۵۶۳
غیرزرتشتی چگونه می‌تواند در خدمت آیین پاک زرتشتی قرار گیرد ۵۶۳
لطفا چگونگی تبدیل تاریخ خورشیدی به گاه‌شمار زرتشتی را بیان کنید ۵۶۴
مغان مهری چه کسانی هستند؟ ۵۶۴

نیایشگاه، و... برای زرتشتیان در استان مازندران یافت می‌شود؟ ۵۶۶
آیا پیر شالیار در کردستان یکی از نیایشگاه‌های زرتشتیان است؟ ۵۶۷
واژه‌ی «مجوس» به چه معنی است که به زرتشتیان نسبت داده‌اند؟ ۵۶۷
چگونه در خاندان ساسانی برخی شاهان چندین همسر داشته‌اند؟ ۵۶۸
آیا کشتار حیوانات و خراب کردن لانه مورچه‌ها در دین زرتشت جایز است؟ ۵۶۹
در برخی نوشته‌ها آمده که در دین زرتشت باید لانه مورچه‌ها را خراب کرد ۵۷۰
آیا در دین زرتشت کشیدن سیگار و قلیان جایز است؟ ۵۷۱
آیا در دین زرتشت سیگار کشیدن بی‌احترامی به آتش است؟ ۵۷۱
آیا زرتشتیان هم در دین خود تسبیح دارند؟ ۵۷۲
نظر شما در مورد کتاب‌های اوستا برگردان استاد پور داوود چیست؟ ۵۷۳
دین مزدکی همان دین زرتشتی است؟ ۵۷۳
معنی واژه فرَوَهَر در گویش لکستان ۵۷۴
درباره جایگاه الهه‌ها در دین زرتشت ۵۷۵
تفاوت مانی و مزدک در اندیشه با زرتشت چیست؟ ۵۷۵
مزدک و پیروانش در زمان ساسانی چه اندیشه‌یی داشتند؟ ۵۷۶
برخی افراد زرتشتیان هند را فراماسونر می‌نامند ۵۷۷
واژه‌ی «خْرَفَستَر» و نابودی آن در آیین زرتشتی ۵۷۸
گیاه هوم چیست و آیا سُکرآور هست؟ ۵۷۹
رنگ سبز در دین زردشتی ۵۸۰
علت ورود اندیشه‌های خرافی به دین زرتشتی در زمان ساسانی ۵۸۱
آیا کوروش کبیر در دین زرتشت همانند دین یهود منجی بوده است؟ ۵۸۳
آیا برای نماز شستن دست و روی کافی است؟ ۵۸۳
آیا فال گرفتن و پیشگویی در دین زرتشت مورد تایید است؟ ۵۸۵
باور به «جن» در دین مزدیسنا چگونه است؟ ۵۸۵
سفارش دست‌های برافراشته به هنگام نیایش در گاتها برای چیست؟ ۵۸۶
آیا زرتشتیان به پیدایش آدم و حوا اعتقاد دارند یا خیر؟ ۵۸۷
نتیجه‌ی کردار خوب یا بد چگونه به انسان بر می‌گردد؟ ۵۸۸
آیا شما در کتابتان فقط حسنات زرتشت را گفته‌اید یا نقاط ضعف نیز بازگو شده؟ ۵۸۸
چهره موبدان بر خلاف چهره‌ی زرتشت، ریش ندارند؟ ۵۸۹

اگر یک زرتشتی از وندیداد، دینکرد و خرده‌اوستا پیروی نکند آیا از دین خارج است؟ ۵۹۰
اگر بیماری رخ داده باشد برای درمانش می‌شود دعا کرد؟! آیا تأثیر گذار است؟ ۵۹۱
اگر دانش روز اشتباه بودن بخشی از نوشته‌های اوستا را نادرست بداند پذیرفته می‌شود؟ ۵۹۱
با وبلاگ و تارنماهایی که از دین زرتشت بدگویی می‌کنند، چه باید کرد؟ ۵۹۲
دروغ مصلحت‌آمیز در دین شما گفته می‌شود؟ ۵۹۳
آیا در دین زرتشتی نسبت‌هایی مانند مرتد، ملحد، کافر و... وجود دارد؟ ۵۹۴
جایگاه فردی که جادوگر است در دین زرتشت چگونه است؟ ۵۹۴
نظر مزدیسنان در مورد پان‌ترکیسم چیست؟ ۵۹۵
واژه «جمعه» عربی‌ست، نیاکان ما به جای آن از چه واژه‌ای استفاده می‌کردند؟ ۵۹۶
آیا در دین زرتشت توکل کردن به خدا وجود دارد؟ ۵۹۶
آیا در سنت زرتشتیان روز ویژه‌یی برای درخت‌کاری پیش‌بینی شده ۵۹۷
در آیین زرتشت سرنوشت و قسمت چگونه بیان شده است؟ ۵۹۸
از نظر آیین باستانی چه روزی برای روز عشق مناسب است؟ ۵۹۹
حمله پادشاهان ایرانی به کشورهای دیگر جایز بوده است؟ ۵۹۹
آیا شما به کسی اعتقاد دارید که در روز رستاخیز ظهور کند ۶۰۰
در دوران ایران باستان آیا افرادی از ادیان دیگر به مزدیسنا گرویده‌اند؟ ۶۰۱
چگونه می‌توان قدردان و سپاسگزار زرتشتیان بود؟ ۶۰۳
رنگ برگزیده و سپند در دین زرتشت، کدام است؟ ۶۰۴
چگونگی گزینش شخص نِساسالار ۶۰۵
بی‌بی شهربانو، دختر یزدگرد، همسر امام سوم بوده است؟ ۶۰۶
آیا خوردن گوشت خوک در آئین زرتشت حرام است؟ ۶۰۷
آیا زرتشتیان کنونی نیز جزیه می‌پردازند؟ ۶۰۸
چرا در آتشکده‌ها به جای گاتها، خرده‌اوستا یافت می‌شود؟ ۶۰۹
در دین زرتشت اجتهاد کنید و مسائل آن را به روز کنید ۶۰۹
سفر به شهرها و آموزش پیروان جدید جزو وظایف و سفارش‌های آشو زرتشت نیست؟ ۶۱۰
کتاب‌نامه ۶۱۳

پیش‌گفتار

در یک ضرب‌المثل آلمانی چنین آمده؛ «پیامبران در زادگاه خویش غریب‌اند»؛ بی‌گمان برای پیام‌آور ایرانی چنین روی داده است. زرتشت در زادگاه خود سرزمین ایران، غریب و ناآشنا مانده است.

چندی پیش در یکی از شهرهای گردشگری ایران همراه با بانوانی بودیم که پوشش رنگارنگ و ترادادی (سنتی) زرتشتی بر تن داشتند. به هنگام تهیه ورودی برای دیدار از یک بنای باستانی، از روی کنجکاوی یکی از نگهبانان پرسید: «از کجا می‌آیید؟» پاسخ دادیم: «از شهر یزد.» چون پوشش‌ها برایش تازگی داشت پرسش دیگرش این بود: «مذهب شما چیست؟» گفتیم: «زرتشتی». نگاهی به چهره و پوشش بانوان انداخت. سرپرست آنان زیر لب به آرامی زمزمه کرد. «حنبلی، شافعی، زیدیه، اسماعیلی، حنفی»، آنگاه گفت: «ببخشید، زرتشتی شاخه‌ای از مذهب شیعه است یا سنی؟» شگفت زده شدم که نام زرتشت و فرهنگ زرتشتی تا چه اندازه در این کشور ناشناخته مانده است!

فراتر از آنکه این پیام‌آور در زادگاهش غریب و ناآشنا مانده باشد، باید پذیرفت که زندگی و اندیشه زرتشت بیش از پیامبران دیگر از آغاز زاده شدن تاگنون، بازجویی و به چالش گرفته شده است. از کرپان، کاوی و اوسیج‌ها[1] که بگذریم با لشکرکشی اسکندر در دوران هخامنشی، نسک‌های اوستا و فرهنگ به یادگار مانده از دوران زرتشت به تاراج رفتند. برخی از تاریخ‌نگاران یونانی آنچه را در پندار و توان داشتند

۱ـ پیشوایان دروغین، فرمانروایان کژاندیش و پنداگرایانی که به روزگار زرتشت از گسترش اندیشه‌اش جلوگیری می‌کردند. زرتشت در سرودهای گاتها از آنان به نام گمراهان کژاندیش یاد می‌کند.

در نوشته‌های خویش از ایران و ایرانی بدگویی کردند. پس از چندی که ایرانیان جانی تازه گرفتند، در اندیشه بازیافت هنر و فرهنگ خویش برآمدند. آنگاه موبدان به کشورداری نیز روی آوردند. پیروی از اندیشه و شیوه زرتشت، دین رسمی کشور گردید. پس از خودنمایی اندیشه‌های مانوی و مزدکی و زروانی، تیره‌های وحشی نیز از حجاز به ایران یورش آوردند. خون‌ها بر زمین ریخته شد. گنج‌ها به یغما برده شد. زن و دختران ایرانی به بازار بَرده‌فروشی عرب‌ها کشانده شدند. پسران جوان کشورمان اسیری و بَردگی را بر جان خریدند. نوشته‌های بازیافت شده باستانی در آتش سوزانده یا به آب سپرده شدند. دو سده ایران و ایرانی درگیر خمودگی و آسیب از ستم چپاول حکومت‌های بیگانه شده بود. از آن زمان تا چهار سده پس از آن موبدان و اندیشمندانی که باسوادتر بودند، نوشته‌هایی به دبیره‌ی پهلوی با برداشت از فرهنگ نیاکان و اندیشه‌ی زرتشت به نگارش آوردند. زبان پارسی تا پرتگاه نیستی پیش رفت تا اینکه رادمردانی مانند رادمان پورِ ماهک (یعقوب‌لیث صفاری) گویش و منش پارسی را دوباره جان بخشیدند. مبارزانی مانند ابومسلم، سنباد، بابک خرمدین، مازیار و... در هر گوشه از ایران به پا خواستند تا هویت و پوششی نیک و مناسب بر پیکر ایران و ایرانی بپوشانند. برخی از مزدیسنان[۱] که با چیرگی دشمن بر ایران سازگار نبودند. به هندوستان روی آوردند تا در آرامش زندگی کنند. بار سنگین جَزیه[۲] بر دوش مزدیسنانی که در ایران ماندند، آنچنان فشاری داشت که به ناچار بسیاری را به ترک دین وادار کرد. آنان که توان بیشتری داشتند، کوچ از شهرهایی با حاکمِ سِتمباره را برگزیدند. بار و بُنه ناچیزی با خود برداشته و به هر سوی ایران شتافتند. سرانجام به زندگی دشوار در شهرهای کویری مرکز ایران سازگار شدند. فردوسی با سرودن شاهنامه‌اش، هویت ایرانی را دوباره شکوفا ساخت. چکامه‌سُرایان، نویسندگان و دانشمندان با زبانی رازگونه از فرهنگ نیک گذشتگان یاد کردند. تیره مغول نیز چندین سال چنگ خونین دیگری بر پیکر نیمه

۱ـ ستایندگان مزدا، پیروان زرتشت

۲ـ خراجی که اهل کتاب سالانه به دولت اسلامی می‌پرداختند ← فرهنگ لغت دهخدا

جان ایرانیان انداخت. موبدانی که جان سالم به در برده بودند، گنجینه به یاد مانده از اوستا را پی‌درپی دستنویس کرده و نزد خویش نگهداری کردند. آنان همه نوشته‌های اوستایی را سِپند (مقدس) دانسته و پاسداری می‌کردند. هر چند بخش بزرگی از اوستا اندیشه ارزشمند ایرانیان در هر دورانی است ولی همه آنها پیام و اندیشه پیام‌آورشان زرتشت نبود. موبدان و مزدیسنان تا سال‌ها نمی‌دانستند که تنها بخشی از آن گنجینه با ارزش نیاکانی سرودهای گاتها سخنان زرتشت است که بایستی بیشتر به راز و رمز آن آشنا گردند و چون خود را پیرو زرتشت می‌دانند به سرود پیمان دین او وابسته گردند و زندگی را در راستای مزداپرستی پیشه گیرند.[۱]

پژوهشگران بی‌شماری به ویژه نویسندگان غیرایرانی از سراسر دنیا درباره‌ی زرتشت و مزدیسنان پژوهش کرده و نسک‌ها نوشته‌اند. اینکه نام زرتشت چه چماری (معنایی) دارد. مادر و پدر خانواده‌اش چه کسانی بودند. زاده شدن او کجا و چه هنگام روی داده است. چه معجزه‌هایی داشته و چگونه جان سالم به در برده تا به پیغمبری رسیده است. هر یک نظری داده‌اند که تاکنون بسیاری از پرسش‌ها همچنان پاسخ درست و یکسانی نداشته است! گفتنی است برخی از آنان نیز انگار با دین و فرهنگ ایرانی دشمنی داشته‌اند چون نگاه آنان به اندیشه زرتشت و مزدیسنان دوستانه و درست نبوده است. جهانگردانی که در هر حکومتی، از کشورمان دیدار داشته‌اند گاهی از زرتشتیان یاد کرده‌اند. آنان در برخی از گزارش‌های

۱ـ مزدیسنان در نیایش‌های ترادادی خویش چنین می‌سرایند:
مَزدَیَسنوُ. آهمی. مَزدَیَسنوُ. زَرَتوُشْتریش. فْرَوَرانه. آستوُتَس‌چا. فرَوَرِتَس‌چا. آستوُیه. هوُمَتِم. مَنوُ. آستوُیه. هوُخِتِم. وَچوُ. آستوُیه. هْوَرشتِم. شیَه‌اُتَنِم. آستوُیه. دَانام. وَنْگوْهْیم. مازدَیَسنیم. فْرَسپایَه‌اُخِذرام. نیذاسْنَه‌ئی‌تیشِم. خُواَاِت‌وَدَتام. اَشَه‌اُنیم.
برگردان: برمی‌گزینم شیوه مزداپرستی را که سفارش شده زرتشت است و استوارم بر این کیش. می‌ستایم اندیشه نیک را، گفتار نیک را و کردار نیک را.
می‌ستایم دین نیک مزدیسنا را که دورکننده جنگ‌افزار، نکوهنده دشمنی، ستایشگر آشتی و نیک‌اندیشی است. که مرتو (انسان) را به یگانگی با خویش فرامی‌خواند؛ که دینی برای اکنون و آینده است. اهورامزدا را سرچشمه نیکی‌ها می‌داند. این است ستایش دینِ مزداپرستی.

آن روزگار از برخورد دولتمردان با مزدیسنان به خوبی یاد نکرده‌اند. گاهی نیز از آدابی ترادادی برگرفته از فرهنگ بیگانه یاد کرده‌اند که در خانواده‌ای زرتشتی نیز رواج داشته ولی چون در سفرنامه‌ها ثبت شده است اکنون به اندیشه زرتشت نسبت داده می‌شود. کسانی نیز که فرهنگ و باورهای بیگانه را به ایران رساندند. برای خوار شمردن پیروان زرتشت، گاهی آنان را مجوس، گبر و آتش‌پرست نام نهادند.

پس از چالش‌های گوناگون، اکنون نه تنها بسیاری از ایرانیان با زرتشت. مزدیسنان آشنایی ندارند بلکه آنانکه در پی آشنایی و پژوهش در فرهنگ نیاکان خویش برمی‌آیند با نسک و نوشته‌های فراوانی روبرو شده‌اند که در آن پیروان زرتشت را با دروغ و ناسزاهایی مانند دوگانه‌پرستی، آتش‌پرستی، ستم بر زنان و فرزندان، قربانی کننده حیوانات، زناشویی با نزدیکان (ازدواج با محارم) شناخته‌اند.

با همه این رویدادهای تلخ و شیرین که پرونده‌ی زندگی مزدیسنان را در گذر از گاهداد (تاریخ) ایران و جهان فراهم کرده است، ناگفته پیداست اندیشه و بینش راستین زرتشت نیز در هر دوران دستخوش دگرگونی‌های ناخواسته شده باشد که نیاز است سره از ناسره تمیز داده شود و از پیوستگی‌های ناهمگون پالوده گردد.

نگارنده سالیانی پاسخگوی خواستارانی بوده که درباره زرتشت و مزدیسنان پرسش داشته‌اند. بخشی از این گونه پاسخ‌ها در بخش پایانی این نوشته آمده است. از پرسش‌ها چنین برمی‌آید که برخی از همکیشان بیان کرده‌اند. بسیاری از دانشجویان و دانش‌آموزان پرسیده و اندکی را کسانی که در پی آشنایی و پیوستن به فرهنگ و فلسفه نیاکان خویش برآمده‌اند. گفتنی است پاسخ‌ها، برداشتی ژرف از بینش زرتشت، ساده، کوتاه و گویا بیان شده که شاید اندیشمندان برداشتِ دیگری نیز داشته باشند.

در بخش آغازین این نسک به جایگاه زرتشت و مزدیسنان با نقل‌قول از نوشته‌ها، باور و برداشت پیشینیان همراه با ذکر منابع و نتیجه‌گیری اشاره شده که شیوه پژوهش کنونی است.

در بخش پایانی که پاسخ‌ها آمده، از شیوه دیگر نگارش بهره گرفته شده است.

همانند گلستان سعدی و نوشته‌های کهن که از حکایت‌ها، چکامه‌ها، اندرزها و حکمتِ چیستی‌ها یاد می‌شود. نقل‌قول از دیگران نیست بلکه یافته‌های میدانی، برداشت‌های درونی، نگرش به دیده‌ها و شنیده‌های گوناگون است که حکیم (فیلسوف)، چکامه‌سرا، رازور (عارف)، دانشمند و اندیشمندی داشته و دارد که شیوه و نگارشی ویژه خود را خواهد داشت.

باور دارم که همه نسک و نوشته‌هایم نیاز به رایزنی و راهنمایی بیشتر خوانندگان و اندیشمندان گرامی دارد. بدین روی چشم به راه نقد و بررسی بینشوران خواهم بود.

کورش نیکنام
زمستان ۱۳۸۹

اشـــاره

تیره آریایی

در نوشته‌های باستانی ایران، واژه‌ی «آریا» بسیار به کار رفته است که اشاره به مَرتوهای (مردم) ایران، هند و برخی از کشورهای دیگر شده است. این واژه که ریشه‌ی اوستایی دارد، به چم (معنی) «آزاده، پاک و بزرگوار» می‌باشد. ویژگی‌هایی که در اوستا به ویژه به ایرانیان نسبت داده شده است.

واژه‌ی «آریا» در بخشی از نوشته‌های اوستایی به نام هُرمُزدیشت، به ریخت (شکل) «اَئیرینَه وَاِجَهی» آمده است و در این سرود اوستایی، به فَرّ و شکوه ایرانیان درود فرستاده شده است:

«نِمُوائیرینَه وَاجَهی. نمَو کَوَاِم. خُوَرِنُو.».

«درود بـه فـرّکـیانی، درود بـه ایـران‌ویـج، درود بـه خـوشی و خوشبختی مزدا داده...».[۱]

ماریان موله برابر دانش ریشه‌شناسی باور دارد که ایران به چم «کشور آریـاها» است. ایـران Eran کـه واژه‌ی پـارسی‌میانه است، درنـوشته‌های باستانی Aryanam و حالت وابستگی از واژه Arya برگرفته شده است.[۲] برخی از پژوهشگران باور دارنـد کـه آریـایی‌ها بـه روزگـار بـاستان در دشت

۱ـ شهمردان، رشید ۱۳۵۹، خرده‌اوستا، رویه ۱۶۵

۲ـ موله، ماریان. ۱۳۶۳، ایران باستان، رویه ۷

پامیر[۱] و پیرامون آن زندگی می‌کرده‌اند. در هزاره‌ی پنجم تا ششم پیش از میلاد از زادگاه خویش کوچ کرده، به سوی ایران و هندوستان روی آورده و جایگزین بومیان ایران شده‌اند. در این راستا بسیاری نیز این باور را نپذیرفته و نادرست می‌دانند. آنچه باید پذیرفت اینکه در دشت پهناور و سرسبز کنونی نیز ایرانیانی با فرهنگ زندگی داشته‌اند.

در وَندیداد و یَشت‌های کهن که بخش‌هایی از اوستاست و در وِداها که نوشته‌ی دینی هندوان است، این واژه را به مردمانی پاک‌نژاد و ارجمند و آزاده نسبت داده‌اند که در ایران و هند به سر می‌بردند. فرهنگ واژگان دهخدا می‌نویسد: « آریا نام ایالت قدیم ایران بوده که امروزه شامل بر خراسان شرقی، و سیستان است و نام فارسی آن در قدیم «آرتاکوانا» بوده است. اسکندر شهری به نام «اسکندریه آریه‌ایا» در کنار هریرود بنا کرد و جمعیت و آبادی آن را بدین شهر که شاید هرات امروزی باشد تبدیل کرد».

جغرافی‌دانان قدیم یونانی بخشی از سرزمین ایران را آریا خوانده‌اند. شاید جایگاه آغازین آریاها دشت‌های پیوسته از شمال دریای سیاه و دریای کاسپین (خزر) در جنوب روسیه تا ترکستان و رودهای جیحون و سیحون بوده است. این تیره‌ها هزاران سال پیش از زرتشت به انگیزه‌هایی گوناگون، مانند اقتصادی و سرد بودن هوا به جنوب روی آورده باشند. برخی ازپژوهشگران نیز بر این باورند که آریایی‌ها هرگز کوچنده نبوده‌اند بلکه با تاریخ ده هزارساله‌ای که در ایران دارند. بنیانگذار تمدن‌هایی با پیشینه‌ی هفت هزار سال مانند سیلک کاشان، جیرفت و شهر سوخته سیستان بوده‌اند.

۱ـ دشت پهناوری است باکوه و رودهای پُرآب که بین کشورهای تاجیکستان و افغانستان کنونی قرار دارد.

مری بویس درباره‌ی گروه هندوایرانی می‌نویسد: «در روزگارانی بس دورتر، نیاکان ایرانیان و هندیان، یک گروه بوده‌اند که آنان را هندوایرانیان نخستین نامیده‌اند. اینان شاخه‌ای از خانواده ملت‌های هندواروپایی را تشکیل می‌داده‌اند و عقیده بر آن است که به‌سان شبانکارگان، در استپ‌های جنوب روسیه تا خاور رود ولگا می‌زیسته‌اند. گویا آنان نیمه‌کوچنده بودند و با پای پیاده (چون اسب هنوز اهلی نشده بود) و به کمک سگان، گله‌های گوسفند و بز، خویش را در نواحی محدود به چَرا می‌بُردند. جامعه اینان به دو گروه تقسیم می‌شدند: یکی روحانیان، و دیگری مردم عادی (که شبان و شکارچی بودند). ضرورت‌های زندگی در استپ‌ها، مجال چندانی برای توسعه یا تغییر به دست نمی‌داد؛ هندوایرانیان نخستین، طی سده‌هایی این شیوه کُند و پایدار زندگی (شاید از هزاره چهارم تا هزاره سوم پ.م)، یک سنّت دینی بی‌اندازه نیرومند را ساختند، چندان که عناصری از آن را فرزندان آنان، یعنی برهمنان هند و زردشتیان ایران، تا به امروز نگاه داشته‌اند».[۱]

دکتر محمد جواد مشکور با تکیه بر گزارش وندیداد که یکی از بخش‌های کهن اوستاست، یادآوری می‌کند که آریاها اندک اندک از جایی ناشناخته، به سرزمین ایران و هند کوچ کرده‌اند و به سبب دگرگونی‌هایی که آب‌وهوای ایران با هندوستان داشته است، گروه‌های کوچنده در این دو سامان اکنون رفتار و آدابی یکسان ندارند: نخستین جایگاه آریایی‌های ایرانی در کتاب اوستا به صورت «اَئیریانَه وَئجَه» آمده است. از کتاب وندیداد که از کتب پنجگانه اوستای موجود است، چنین برمی‌آید که آریاهای ایرانی که قومی شبان و گله‌دار بودند از مسکن اصلی خود «اَئیریانَه وَئِجَه» که محل آن بر ما

۱ـ بویس، مری. ۱۳۸۲، زرتشتیان، باورها وآداب دینی آنان، رویه ۲۴.

معلوم نیست در طریق مهاجرت خود از مشرق به مغرب در طی قرن‌ها راه‌نوردی نخست به سُغد و سپس به مَرو و باختر (بلخ) و تا (حدود عشق‌آباد) و هرات و کابل و رخج (در مغرب افغانستان) و هیرمند و توس و شاهرود و دامنه‌های البرز مهاجرت کردند و دولت‌های آریایی به نام پیشدادی و کیانی در مشرق ایران تأسیس کردند که از آنها در اوستا و شاهنامه یاد شده است و سرانجام به ناحیه‌ی ری رسیدند و از آنجا به تدریج در دیگر نواحی ایران پراکنده گشتند. در این سرزمین وضع اجتماعی آریایی‌ها تغییر کرد و به کلی با طرز زندگی برادران هندی ایشان تفاوت پیدا نمود. براثر تغییر آب‌وهوا و شرایط زندگی لازم آمد که طرز تفکر آریایی‌های ایرانی درباره‌ی جهان و آفرینش نیز تغییر کند.

آریاها در ایران که کشوری کم آب و دارای آب و هوایی خشک و سوزان بود ناچار شدند که به زندگی شبانی و کشاورزی پردازند. و با کوشش و زحمت با احداث قنوات برای خود آب فراهم نمایند. برخلاف آریایی‌های هندی که در آب‌وهوای مرطوب و گرم جای گرفته بودند. به تن‌آسایی و زحمت کمتر خو گرفته و به خیالات فلسفی و افکار شاعرانه گرویدند. مسئله تنازع بقا و کوشش برای دست یافتن به زندگی بهتر، سعی و عمل را در دماغ ایرانیان به جای ریاضت و عزلت هندوان مستقر گردانید. از این رو دینِ هندو و دین زرتشت دو ماهیت مختلف حاصل کردند و دو قطب متباین و متضاد قرارگرفتند».[۱]

شرق‌شناس دیگری از اهل چک نیز آریایی‌ها را تیره‌هایی چادرنشین و شبان یادآوری می‌کند که پس از رسیدن به سرزمین ایران، زندگی کشاورزی و دامپروری را گزینش کرده‌اند. این تیره آثار هنری و استوره‌های

۱ـ مشکور، محمد جواد. ۱۳۸۰، خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، رویه ۴۵

خود را سینه‌به‌سینه به نسل‌های پس از خود رسانده‌اند. او می‌نویسد: «... از دورانی که آریاها در ایران زمین سُکنا گزیدند و نخستین مراکز فرهنگ و تمدن خود را بر پا ساختند هیچ‌گونه مدرکی در دست نیست؛ چنانکه حتی هندی‌ها هم مدت‌ها پس از استقرار در میهن تازه خود فاقد خط بودند. آریاهای ایرانی نیز مانند آنان، اندیشه‌ها و آثار فکری خود را تنها به حافظه می‌سپردند که دهان به دهان، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. ابداعات هنری ملت مانند ترانه‌ها، گفتارها، معماها، استوره‌ها، افسانه‌ها و جز آنها، نگاشته نمی‌شد و بدین واسطه ضمن انتقال سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعدی، دستخوش دگرگونی می‌گشت. تحول اجتماعی که صورت گرفت تبدیل شبانی و چادرنشینی به کشاورزی و دامپروری بود که طی سده‌های دراز به صورت نظامی درآمد که در آن سه طبقه متمایز به وجود آمدند و عبارت بودند از: روحانیان، که اجرای مراسم دینی را عهده‌دار بودند. نجبا: یعنی امرا و روسای قبایل و جنگجویان. و سرانجام روستاییان که به دامپروری و کشاورزی اشتغال داشتند. بعدها طبقه پیشه‌وران (و بازرگانان) که در اوستا به نام هوتای Hutai از آن یاد شده، به وجود آمد...»[۱]

دکتر محمودی بختیاری با اشاره به یافته‌های باستانی دربخش‌های خاوری و باختری ایران، خاستگاه فرهنگ و تمدن ایران باستان را همین سرزمین می‌داند و از جعل‌کنندگان تاریخ گله‌مند است که برخی از بخش‌های ایران باستان را به قلمرو عهد عتیق نسبت می‌دهند. او می‌نویسد: «قلمرو فرهنگ ایران از مرزِ چین تا کرانه‌های نیل است. کاوشهای اخیر در «تورفان» منجر به کشف گنجینه‌ی عظیمی از آثار و نوشته‌های ایرانی شد. بسیاری ازاین گنجینه‌ها به صورت‌های گوناگون به

۱ـ یان، ریپکا. ۱۳۸۱، تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه، رویه ۱۱۴.

تاراج رفت ولی همان مقدار بجا مانده، که بوسیله آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها گردآوری، مُدون و فهرست‌بندی شده، انگیزه‌ی حیرت پژوهندگان و باستان‌شناسان گردیده است. نظم و ترتیب در این آثارِ بدست آمده در تورفان تا آنجاست که هر بخش آن می‌تواند مکمل بسیاری از نوشته‌های ناقص دوره اسلامی باشد یا به عکس جاهای محو شده در برخی از صفحات آن آثار را می‌توان با نوشته‌های دوره‌ی اسلامی، که بر همان پایه پدید آمده‌اند، پُر کرد. این آثار تورفانی و ابزار و ظروف‌های گوناگونی که در نقاط دیگر فلات ایران بدست آمده و ساختمان‌هایی که پرده‌ی خاک از چهره آنها زدوده شده است، هر پژوهنده‌یی را گذشته از اینکه به شگفتی وامی‌دارد، بی‌گمان می‌کند که خاستگاه فرهنگ و تمدن، همین سرزمین است. بارها یادآور شدیم که جعل‌کنندگان تاریخ، کوشش کرده‌اند که: نخست تمدن و فرهنگ را در قلمرو تورات و عهد عتیق بررسی کنند. و از آن پا فراتر نگذارند. دوم اینکه مرکز و خاستگاه تمدن و فرهنگ را که ناگزیر خاورمیانه است، در بین‌النهرین و بابل قرار دهند و به هر صورت آنجا را جزو قلمرو عهد عتیق بدانند. سرانجام بین‌النهرین و بابل را سرزمینی غیرایرانی معرفی کنند و برای این سرزمین ساکنانی با نژادهای غیرایرانی بسازند.

همین تاریخ‌سازان، از روی غرض‌ورزی، که سرانجام به سود خود جعل‌کنندگان هم نبوده است. مُسبب گنگی و ابهام تاریخ بشر یا تاریخ فرهنگ و تمدن قدیم انسانی شده‌اند. شگفت‌انگیز است که باستان‌شناسان هم گویی، جزو قلمرو تورات جای دیگری را برای کاوش و بررسی‌های تاریخی نمی‌شناختند و حال آنکه با اندک بررسی‌هایی که در شرق ایران شده است وضع به کلی دگرگون خواهد شد. کاوش منطقه‌ای به نام «موهنجودارو» در دره‌ی سِند، که آن را ناتمام و سربسته گذاشتند. دریچه‌ی

تازه‌ای بر روی تاریخ بشر باز می‌کند و نتیجه‌ی کاوش‌هایی که در جنوب کرمان به وسیله‌ی باستان‌شناسان آمریکایی آغاز شده است و به تازگی کشفیاتی کرده‌اند و آثار جالبی بدست آمده است، دلیلی قاطع بر ردِ تلاش‌های مُغرضانه تاریخ‌سازان چند سده گذشته و باستان‌شناسان پیرو آنان است».[۱]

برخی از پژوهشگران براین باورند که سرزمین بخش خاوری ایران بیشتر دستخوش کوچ تیره‌ها بوده است و سبب تشکیل نخستین سازمان و دولت شده است. با ویژگی‌هایی که تیره‌های آریایی داشته‌اند، اندک اندک نبردها بین ایران و توران که رفتارهایی ناهمگون با یکدیگر داشته‌اند پدید آمده و سبب پیدایش ثنویت اخلاقی در ایران شده است. شاهنامه‌ی فردوسی و برخی از نوشته‌های کهن ایرانی نیز به آن رویدادها و حماسه‌ها پرداخته‌اند. چنانکه از اشارات اوستا برمی‌آید، در سرزمین‌های ایرانی، نخستین سازمان‌های تکامل یافته‌ای که به منزله‌ی دولت بود محتملاً در طرف مشرق به وجود آمده است. اوستا گاهی از کشورهایی در سواحل رودخانه هیرمند، در پیرامون دریاچه‌ی هامون، در سیستان و زمانی از سرزمین‌های ماورای آمودریا و دریاچه‌ی «ووروکش» (شاید دریاچه آرال) سخن می‌راند. روایتی که برطبق آن قبایل آریایی از سرزمین قدیم‌تر خود، ایران ویج، به سرزمین های دیگر ایران رفته‌اند، بی شک قدمت دارد. برخی از پژوهندگان این سرزمین را واقع در شمال ایران می‌دانند. نخستین مراکز فرهنگ ایران شاید سَمرقند، مَرو و بلخ (که یونانی‌ها آن را باکتریا می‌نامیدند) بوده است. این ناحیه‌ها صحنه‌های رویدادهای تاریخ اساتیری ایران باستان است که

۱ـ محمودی بختیاری، علیقلی. ۱۳۵۸، زمینهٔ فرهنگ و تمدن ایران، رویه ۲۴۵-۲۴۶

بهترین توصیف آنها، قرن‌ها بعد، در شاهنامه فردوسی آمده است. نواحی باختری‌تر، مدت‌ها زیر سُلطه و انقیاد سامی‌ها دست‌وپا می‌زد. بعید نیست که اَژی‌دهاک (پادشاه اژدها) غول افسانه‌ای مذکور در اوستا، نمایشگر بیدادگری‌هایی باشد که از سمت خاور تا بدان سوی مرزهای ماد اعمال می‌شده و منشاء آن اَکَد بوده است. گذشته از آن، سده‌های متمادی، میان بابل و فارس یک دولت مهم به نام ایلام بر ملتی غیر هندواروپایی حکومت می‌کرد و مدت‌ها در برابر حمله‌های همسایگان پایداری کرد. محققاً شاهزاده‌نشین‌های آریایی در خاور نیز از تهاجمات چادرنشینان آسیای مرکزی، که آریاها از دیرباز آنان را «تور» می‌خواندند، در امان نبودند. بین اینان تعدادی قبایل هندواروپایی وجود داشت که در آن سوی سیحون (سیردریا) ساکن و وابسته به یک اتحادیه ملل بودند که از همان زمان‌های باستان، بر اثر یک اشتباه تأسف‌بار، به نام سکاها خوانده می‌شدند. نفرت طبیعی و دشمنی که میان ساکنان شهرها و دهکده‌ها از یک‌سو، و چادرنشینان از سوی دیگر وجود دارد؛ شاخص‌ترین جنبه‌ی مناسبات متقابل ایرانی‌ها و تورانی‌هاست. اختلافات موجود میان این دو سرزمین مبنا و اندیشه اصلی سنت ملی ایران و تصور ثنویتی است که ایرانیانی از جهان و تاریخ داشتند. حتی برخی از قسمت‌های افسانه‌ها در اوستا حاکی از این موضوع و یا متضمن اشاراتی برآن هست که توصیف هنرمندانه آن در حماسه فردوسی به اوج عظمت خود رسیده است. ایرانیان ملتی خوب، هوشمند و دوست‌دار نظم‌اند. به کار، روشنایی و هر چیز خوب احترام می‌گذارند و تورانی‌ها، برخلاف آنان، بدنهاد و پایبند خدعه، اعمال خشونت و عنف و انهدام و هواخواه نیروهای ظلمانی؛ یعنی جنگ، غارت، راهزنی و تیرگی هستند. و این تناقض اجتماعی، اقتصادی و تاریخی، به اعلای درجه

در ایجاد ثنویت در حیات معنوی ایرانیان مؤثر بود. دومین عامل مؤثر کیش زرتشتی بود که یکی از مهم‌ترین صور دین در تاریخ جهان به‌شمار است».[۱]

پیش از این به ویژگی‌های نیک و برگزیده‌ی ایران و ایرانی در هُرمزدیشت اشاره شد که از «خُوَرِنَه»، فرّه ایزدی برخوردار بوده‌اند. ویژگی دوگانه بین بخش خاوری ایران که بیشتر با کوچ آریاها روبرو بوده است با ناحیه باختری ایران که مادها در آن فرمانروایی داشته‌اند با این گزینه آشکار خواهد شد که بخش خاوری ایران به پدیده‌ها و نمادهایی باور داشتند که به زندگی غیرمادی، رهایی‌بخش، آرامش‌دهنده، راهگشای کارها و ندانسته‌هایشان وابستگی داشته است، به همین روی پیش از اینکه با اندیشه زرتشت و آموزه‌های او آشنا شوند، نمادهای طبیعی مانند مهر و ناهید و... را برگزیدند ولی مردم ساکن در بخش باختری سرزمین آن روزگار ایران که زمانی ماد و مُغان در آن به سر می‌بردند، برای رهایی مردم از خشم پدیده و رویدادهایی که در آن روزگار ناشناخته بوده‌اند، به کارهایی شِگفت‌آور، قربانی‌های خونین و پندارهایی خرافی روی می‌آوردند. مری بویس با اشاره به بخشی از اوستا این‌گونه نوشته است: «در یک یَشتِ قدیمی یعنی زامیادیَشت، که در ستایش خُوَرِنَه (فرّ ایزدی) است، می‌آید در این جا (بند ۶۶) گفته می‌شود که فرّ کیانی همراهی می‌کند کسی را که فرمان می‌راند بر آنجا که دریاچه «کانسئویه» است که «هَئِتومَنت» بدان می‌رسد...» «هَئِتومنَت» همان رود هیرمند امروزین است و دریاچه «کانسئویه»، بایستی همان دریاچه هامون در «درنگیانه» (سیستان امروزین) در جنوب شرقی ایران باشد. از این‌رو چنین می‌نماید که پیش از آنکه نگارش متون اوستایی

۱ـ یان، ریپکا. ۱۳۸۱، تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه، رویه ۱۲۲

به پایان رسد (یعنی دست‌کم تا سده ششم پ.م) ایرانیان این ناحیه، کیش زرتشتی را پذیرفته بودند. برای این مدعا گواه دیگری در یک متن منثور اوستایی هست که نخستین فصل از یک اثر تألیفی متأخر، یعنی وِیدِوداد (بعداً تحریف شده به صورت وندیداد) و به معنای «قانونِ ضدّ دیوان» را تشکیل می‌دهد. در این فصل، نام هفده سرزمین می‌آید و این فهرست با «ایرِیَنَم وَئِجَه» یعنی زادبوم اساتیری آن روزگار ایرانیان، آغاز می‌شود. در این اثر گفته می‌شود که هر سرزمینی را اهوره‌مزدا، نیک آفرید، و رنج آن از مینوی تباهکار است. برخی ازاین سرزمین‌ها هم ناشناخته‌اند، ولی شماری از آن به‌ویژه سُوغذَه (سُغد)، مورو (مرگیانه / مرو)، باخذی (باکتریا / بلخ)، هَرَهوَیتی (اَرخوزیَه) و هَئِتومنَت (درنگیانه) آشنایند. همه‌ی این نام‌ها به شمالِ شرقی و شرق ایران تعلق دارند. در باب سبب تهیه این فهرست، حدس‌های مختلفی زده‌اند، ولی (به لحاظ حفظ آن به عنوان اثری دینی) منطقی‌ترین‌شان آن است که احتمالاً این، فهرست نام سرزمین‌هایی است که در روزگاران نسبتاً دیرین، کیش زرتشتی را پذیرفتند. با این حال یک نکته همچنان معماست: این که نام خوارزم در فهرست نیامده است و به نظر می‌رسد که نام «ائیرینَم‌وَئِجه» هم افزوده بعدی باشد».[۱]

مهندس آشتیانی نیز از نظر گوناگون پژوهشگران و تاریخ‌نگاران درباره مهاجرت آریاها بهره گرفته و در پایان چنین نتیجه‌ای را در نوشته‌ی خود آورده است: «تا اوایل هزاره‌ی دوم پ.م اقوام آریایی در جنوب روسیه از دریاچه آرال تا ولگای جنوبی و شمال قفقاز پراکنده بوده‌اند. در حدود هزاره‌ی دوم پ.م گروهی به طرف جنوب شرقی مهاجرت کرده و در حدود قرن هفدهم و شانزدهم به رودخانه‌ی ایندوس رسیده‌اند. گروهی نیز به

۱ـ بویس، مری. ۱۳۸۲، زرتشتیان. باورها وآداب دینی آنان، رویه ۶۶

سوی شمال شرقی ایران مهاجرت کرده و در مناطق توس و سیستان و هرات مستقر گردیده‌اند. دسته‌های دیگری از طوایف آریایی با گذشتن از روسیه غربی به جانب اروپا سرازیر گشته و شاخه‌هایی نیز به سوی غرب ایران و آسیای صغیر کوچ کرده‌اند. در غرب ایران به علت برخورد با تمدن‌های باستانی بین‌النهرین و عیلام و متأثر شدن از آنها سریع‌تر فرم گرفته‌اند و آثاری که از آنان باقی مانده است با این تمدن‌ها امتزاج حاصل کرده و یا مانند دولت‌های میتانی و هیتی تحت تأثیر تمدن‌های سامی قرار گرفته است».[۱]

باورهای آریایی پیش از زرتشت

باورهای آریایی‌ها در آغاز یکسان بوده ولی آنگاه که دو شاخه شده‌اند دگرگون شده است. آریایی‌ها به دو دسته فروزه و پدیده باور داشتند. گروهی سرچشمه‌ی خوبی‌ها بوده‌اند و برخی نیز بدی‌ها را پیش می‌آوردند. این فروزه‌های دوگانه پیوسته در جنگ و ستیز بودند تا هر یک فرآیندی نیک و یا ویران‌ساز را پدید آورند. زلزله، آتشفشان، سیلاب و بیماری‌ها از پیش آمدهای ناگوار و نابود کننده فرآورده گروه دوم بوده است به همین روی با خواندن سرودهایی فریادگونه و قربانی حیوانات بر آن بودند تا نمادهایی که سبب پیدایش پدیده‌های خشمگین بودند را خشنود سازند. از این سو یکی از پدیده‌های نیک نیز مهر یا میترا بوده که نزد آریایی‌ها ارزش ویژه داشته است. آن را نماد روشنایی و فروغ، پیمان و پیمانداری باور داشتند. یونانی و رومی‌ها نیز به میترا، خدای آفتاب می‌گفتند.

ایرانیان باستان پیش از زرتشت، آتش را نیز ارج می‌گذاشتند و با آداب

۱ـ آشتیانی، جلال الدین. ۱۳۷۴، زرتشت، مزدیسنا و حکومت، رویه ۳۴